

+ پاساژگردی بی نتیجه با کفش آهنی

در طبقه سوم یک پاساژ دست به سینه نشسته و پاهایش را روی هم قلاب کرده است. گاهی به ویتترین مغازه‌ها و گاهی به پلاستیک‌های خرید مردم نگاه می‌کند. خسته به نظر می‌رسد، اما رمقی برایش نمانده است. چند ساعت است خیابان اطراف پاساژ و مغازه‌های داخل مجتمع را به دنبال یک مانتوی ساده که باب میلش باشد جست‌وجو می‌کند اما تنها چیزی که این پاساژگردی برایش داشته است کلافگی است. سپیده‌نوعروس است و تازگی‌ها به خانه خودش رفته است. می‌گوید مدت‌هاست که یک مانتوی مشکی ساده می‌خواهد، اما آن قدر بازارها را زیر و رو کرده و چیزی پیدا نکرده که می‌خواسته است یک مانتوی اداری مشکی بخرد که دست کم پوشیده و ساده باشد.

مرتبه اولی هم نیست که دچار این مشکل می‌شود. به گفته خودش، تنها زمان‌هایی که خیلی باحوصله باشد برای خرید می‌آید زیرا می‌داند باید به بازارهای زیادی سر بزند. «این طور نیست که آدم سخت‌پسندی باشم، خیلی از طرح‌های مانتو را می‌پسندم، اما هرکدام ایرادی دارد. یک مانتو جلو باز است و به هیچ وجه نمی‌شود به آن دکمه زد زیرا مدل مانتو به هم می‌ریزد. مانتوی دیگر طرح خوبی دارد اما جلو یا پشت آن کوتاه است. یک مانتوی دیگر هم آن قدر زنجیر، زیپ یا چیزهای تزئینی به آن آویزان است که از خرید پشیمان می‌شوم. مشکل دیگر این است که بعضی از مدل‌ها تنها برای یکی دو سایز موجود است و همه نمی‌توانند از آن استفاده کنند. ضمن اینکه گاهی رنگ‌های به اصطلاح جیغ برای مانتوها استفاده می‌شود که اگر از مدل آن خوشم بیاید، به دلیل رنگش آن را نمی‌خرم.»

+ شلوارها هم دیگر استاندارد نیستند

زهرایکی دیگر از مشتریان این بازار است که به خریدار تبدیل نمی‌شود. چند قدم جلوتر از من راه می‌رود و با مشاهده ویتترین مغازه‌ها از جلو آن‌ها عبور می‌کند. انگار که مانتوهای داخل ویتترین دل او را می‌زنند و حتی رغبت نمی‌کند به درون فروشگاه پا بگذارد. او متولد دهه هفتاد و چادری است. «یک سالی می‌شود از یک مدل مانتوی پاییزه خوشم آمده است و دوست دارم آن را بخرم، اما هر بار به دلیل کوتاه بودن قد مانتو و آستین آن یا بی کیفیتی پارچه، از خیر تهیه آن می‌گذرم. ضمن اینکه این مشکلات تنها در خرید مانتو نیست. حتی برای خرید شلوار نیز دچار مشکل می‌شوم. چند ماه پیش برای خرید شلوار به فروشگاه‌ی رفتم که بخش بزرگی از آن مربوط به فروش شلوار بود، اما هر مدلی که پسند می‌کردم قد ۹۰ آن را داشتند و تنها تعداد محدودی مدل با قد استاندارد موجود بود. با اینکه باب میل نبود، از میان آن‌ها انتخاب کردم. در پی این بازارگردی‌ها، تنها چند مغازه پیدا کرده‌ام که مدل‌های پوشیده و متعارفی دارند و سعی می‌کنم برای خرید، بیشتر به آن‌ها سر بزنم.»

+ هیچ وقت پیرو مد نبوده‌ام

فرزانه مرز سی‌سالگی را رد کرده و هیچ وقت تابع مد نبوده است. همیشه مانتوهایی را می‌خرد که به دل خودش بنشینند. شاغل است و به همین دلیل، وقت زیادی برای دوخت و دوز لباس ندارد. بنابراین مشتری خرید لباس‌های آماده می‌شود، اما حالا چند وقتی است که دوباره به همان سبک قدیم برگشته و از خیاط می‌خواهد برایش مانتو بدوزد. «زمانی که پارچه‌ای را برای دوخت لباس به خیاط می‌سپردم، باید چند مرتبه برای پرو لباس می‌رفتم و مدتی نیز صبر می‌کردم تا آن لباس به دستم برسد. به همین دلیل، مانتوی بازاری را ترجیح می‌دادم زیرا در وقتم صرفه جویی می‌شد. البته هزینه کمتری نیز برایم داشت. من مانتویی هستم، اما مانتوهایی می‌پوشم که کمی آزاد باشد و قد آن نیز کوتاه نباشد. اما بعد از اینکه بارها برای خرید مانتو پاساژهای مختلف را زیر پا گذاشتم و نتوانستم این سبک مانتو را پیدا کنم، تصمیم گرفتم کار را به خیاط بسپارم و خیالم راحت باشد که همان مدلی که در ذهن دارم روی پارچه پیاده می‌شود. بیشتر بازارها مانتوهای اندامی یا آزاد اما جلو باز ارائه می‌دهند. حتی ویتترین مغازه‌های فروش لباس مردانه نیز از تیشرت و شلوارهای کوتاه پر شده است در صورتی که این سلیقه عموم جامعه نیست.»



+ شهربانو

۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۱
 ۱۴۴۴ شماره ۲۵۹۱

(۵)

+ خودم آستین دوختم!

ملیحه، منشی صحنه است و فیلم‌های زیادی در کنار بزرگان سینما کار کرده است. او نیز از شرایط مانتوها در بازار راضی نیست و می‌گوید: من تنوع در لباس و رنگ را دوست دارم اما آستین‌ها همه کوتاه شده‌اند. برای همین، به تازگی ناچار شده‌ام برای همه مانتوهایم آستین بدوزم. او این مشکل را در دیگر اعضای خانواده‌اش نیز دیده است و آن‌ها این روزها برای اینکه لباس مورد نظر خود را داشته باشند بیشتر از خیاط‌های خانگی کمک می‌گیرند: به دلیل گرانی پارچه اصولا خرید مانتو به صرفه‌تر است اما وقتی آن چیزی که مد نظر داریم پیدا نمی‌کنیم، ناچاریم پارچه بخریم و همان را بدوزیم. وضعیت مد و لباس در مشهد نیازمند بازبینی و هم‌فکری جمعی است، اینکه هم بازار و هم مخاطب راضی باشند و از طرفی به هویت ملی و اسلامی و ارزش‌هایمان احترام گذاشته شود.

+ مانتوهای بی کیفیت، قیمت‌های گزاف

محبوبه معتقد است دیگر آن قدر مانتوهای کوتاه و جلو باز در بازار می‌بینیم که برایمان طبیعی شده است، اما زمانی که مانتوی پوشیده‌ای پیدا می‌کنی که نزدیک به سبک پوشش خودت است، با پارچه‌های بی کیفیت روبه‌رو هستی. «در همین تابستانی که گذشت، مانتوهایی در بازار عرضه شده بود که به قدری نازک بود که انگار پارچه حریر است. بعضی اوقات پیش آمده است که از مدل یک مانتوی جلو باز خوشم آمده است و آن را خریده‌ام تا خودم دکمه بدوزم، اما قابلیت دوخت دکمه را نداشته و از روی پارچه لیز می‌خورده است. ضمن اینکه مانتوهای موجود در بازار، علی‌رغم اینکه کیفیت خاصی ندارند، گران هستند.» او بر این باور است که انگار اغلب طراح‌های مانتو در بازار علی‌رغم اینکه این مدل‌ها را از حالت استاندارد خود خارج می‌کنند، از الگوی خاصی نیز پیروی نمی‌کنند. «به نظرم بانوان هنرمند در حوزه خیاطی و طراحی لباس در مشهد کم نداریم. باید برای حل این مشکل به سراغ آن‌ها برویم و بخواهیم که الگوهای دوخت و دوز لباس بانوان را متناسب با زمان حال طراحی کنند و تنوع آن به گونه‌ای باشد که همه سلايق را در بر بگیرد.»